

گزارش مقدماتی گمانه زنی و بررسی باستان شناختی تل همایون

مونا صبا

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

monasaba90@gmail.com

حسین ناصری صومعه

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲۰)

چکیده

تل همایون به عنوان یکی از تپه‌های اقماری دشت خوزستان با هدف شناخت و بازیابی ارتباط آن با سایر تپه‌های باستانی این منطقه در سال ۱۳۷۴ توسط ا. یغمایی مورد بررسی و گمانه زنی‌های اولیه قرار گرفت. این تل به بلندای تقریبی ۷ متر از سطح دشت در جنوب باختری محوطه ارجان جای دارد و به دلیل انجام حفاری‌های غیر مجاز و استفاده مداوم از آن به عنوان زمین زراعی، دچار آشفتگی در لایه‌ها شده است. در این سال ۳ گمانه ۵×۲ متر به صورت پلکانی از بالاترین سطح تپه تا بخش زیرین کاوش گردید که بر اساس آن در سطح تپه داده‌هایی مربوط به صدر اسلام و در لایه‌های زیرین داده‌هایی از دوران تاریخی، آغاز تاریخی و پیش از تاریخ به دست آمد. مشابهت آثار پیش از تاریخی این محوطه و آثار سایر محوطه‌های دشت خوزستان نظیر چغامیش، شوش و همچنین محوطه‌های دشت دهلران مانند فرخ آباد و تپه سبز حاکی از ارتباطات و پیوند فرهنگی این محوطه با سایر مناطق است. پژوهش حاضر بر اساس فعالیت‌های میدانی، کتابخانه‌ای، ثبت و ضبط، تحلیل و مقایسه داده‌ها گرد آوری شده و هدف از آن بررسی ارتباطات فرهنگی محوطه با سایر محوطه‌های مجاور در دوره اوروک می‌باشد.

واژگان کلیدی: تل همایون، شوش، اوروک، چغامیش، فرخ آباد

مقدمه

تحقیقات متعددی که در دشت‌های شمال سوریه، شمال بین‌النهرین و جنوب شرق ترکیه و مطالعاتی که در سال ۱۹۷۰ در دشت‌های پست آبرفتی خوزستان صورت گرفته است؛ این اجازه را می‌دهد تا به مسائل مربوط به واردات و توسعه جوامع خاور نزدیک در آغاز دوران تاریخی به طور دقیق پرداخته شود. در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی چهارم پ.م در دشت شوش و سرزمین‌های شمالی آن و ارتفاعات اطراف، استقرارهای متعدد و شهرک‌های تخصصی پدید آمدند که دوره گذر به فرهنگ آغاز ادبیات را شامل می‌شود. اشخاص بسیاری از جمله: رابرت مک آدامز، گیسون، کنتور و الغازه در رابطه با آغاز ادبیات پژوهش کرده‌اند. تمرکز دوره آغاز ادبیات مربوط به جلگه‌های آبرفتی هلال حاصلخیز در جنوب غرب ایران، آبرفت‌های بین‌النهرین و سایر بخش‌هایی که قبلاً ذکر شد، می‌باشد. تنها با وجود تماس و ارتباط بین داده‌های بدست آمده از مناطق مذکور می‌توان به گسترش ارتباطات و تحت تاثیر قرار گرفتن مناطق مختلف از یکدیگر پی برد (Algaze, 1993: 5-11). با توجه به داده‌های بدست آمده از محوطه‌های مختلف دشت خوزستان، در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی چهارم پ.م جوامع جنوب غرب ایران به طور فزاینده‌ای با جوامع سرزمین‌های پست آبرفتی جنوب بین‌النهرین یکسان بوده‌اند. با توجه به تاریخ‌گذاری بر اساس رادیوکربن، فرهنگ اوروک در لایه‌های

شوش جدید در محوطه‌ی شوش، جعفرآباد، فاز بیات در تپه سبز دهلران، عبید V در تل اویلی و ... دیده می‌شود (Ibid: 13). در این جا قصد بر این است که جامعه‌ی تل همایون در آغاز دوران شهرنشینی، بر اساس سفال‌های لبه واریخته‌ی این محوطه مورد بررسی قرار گیرد.

تل همایون

تل همایون در استان خوزستان و در ۱۲ کیلومتری بهبهان واقع شده است. همزمان با دومین فصل کاوش باستان‌شناسی محوطه ارجان (ارگان بهبهان) در سال ۱۳۷۴ (تصویر ۲) تل همایون نیز که در فاصله‌ی کمی از آن قرار داشت (تصویر ۲) در قالب سه ترانسه پلکانی به سرپرستی آقای ایغمایی مورد بررسی و گمانه زنی قرار گرفت. با وجود مدت زمان اندک این کاوش داده‌هایی بدست آمده است که می‌توان با بررسی آن‌ها اطلاعات مفیدی در رابطه با ساکنین پیشین و نحوه‌ی زندگی آن‌ها بدست آورد. هدف از این کاوش بررسی ارتباطات فرهنگی محوطه با سایر محوطه‌های اطراف بوده است.

از نمونه‌های بدست آمده از این محوطه می‌توان به ابزار سنگی، قطعات سفال، ظروف سفالی، سردوک، فلاخن، استخوان، اشیای مفرغی و فلزی، قطعات ظروف مرمری و... اشاره نمود که این داده‌ها بر اساس طبقه‌بندی، تحلیل و تطبیق با نمونه‌های مشابه بدست آمده از سایر محوطه‌ها مورد بررسی قرار داده شده‌اند.

سفال‌های لبه واریخته تل همایون

سفال‌های لبه واریخته‌ی تل همایون، سفال‌هایی مشابه سایر لبه واریخته‌ها از نظر کیفیت، ظاهر و لبه‌ای رو به بیرون، میباشند (تصویر ۳). سطح خارجی و داخلی این ظروف بسیار خشن و دارای ترک اند. متأسفانه تعداد ظروف کامل بدست آمده که دارای لبه، بدنه و کف باشند اندک است. سطح داخلی ظروف به وسیله دست مرطوب پرداخت شده و دارای پوشش گلی رقیقی است، اما سطح خارجی آن به همان شکل رها شده است و پوشش نیز ندارد. رنگ خمیره از نخودی تا آجری متغیر است و گاهی در مغز سفال‌ها بدلیل پخت ناکافی، دودزدگی دیده می‌شود، معمولاً داخل و خارج ظرف با رنگ خمیره یکسان است. شاموت تمامی سفال‌های لبه واریخته ترکیبی از مواد کانی و گیاهی درشتند و اغلب دارای خرده‌های سفال هم می‌باشند، این سفال‌ها کوچک، کم عمق و شبیه به پیاله هستند. عمق این ظروف بین ۷-۶ سانتی متر متغیر است، ضخامت لبه‌ی آن‌ها $1/4 - 1/1$ سانتی متر، ضخامت بدنه $1 - 0/9$ سانتی متر و ضخامت کف آن‌ها $1/1 - 0/7$ سانتی متر می‌باشد. قطر دهانه‌ی ظروف بین ۱۸ - ۱۲ سانتی متر و کف آن‌ها بین ۶ - ۴ سانتی متر می‌باشد (تصویر ۴). با بررسی مراکز اصلی در اطراف این محوطه در دوره‌ی آغاز شهرنشینی به نتایجی راجع به ارتباطات فرهنگی آن‌ها خواهیم رسید.

دوران اوروک و سفال لبه واریخته

در اواسط هزاره‌ی چهارم پ.م یعنی هنگامی که جوامع سلسله مراتبی شکل گرفتند سنت تولید سفال منقوش جای خود را به سفالی داد که بیشتر جنبه‌ی کاربردی داشت، این تحول از سفال منقوش به سفال تک رنگ در دوره‌ی اوروک به انجام رسید (عبدی ۶۴: ص ۱۳). سفال‌های لبه واریخته طبق گفته‌ی "نیسن" ظروف جیره بندی غذا بوده‌اند، در اینصورت در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی چهارم پ.م کارگران مزد خود را از دولت اینگونه دریافت می‌کردند که به جهت گسترش و بزرگی شهرهای اوروکی کیفیت، در ساخت این نوع سفال مورد نظر نبوده است (Algabe, 2008: 131). وجود چنین سازماندهی بیانگر حضور نخبگان در جوامع آن زمان، بهره‌وری اقتصادی در مقیاس بزرگ و تولید و توزیع یکپارچه تحت نظارت سازمانی واحد است (Ibid: 132). با حفاری‌های انجام شده در فرخ آباد در دشت دهلران و بدست آمدن داده‌های همگون با داده‌های آغاز دوره‌ی شهرنشینی در سایر محوطه‌ها، مدارکی مبنی بر صادرات و واردات در این محوطه بدست آمده است (Ibid: 156). در سال ۱۹۷۰ "نیسن" درصدد برآمد تا کاسه‌های لبه واریخته‌ای را که از محوطه‌های مختلف دشت خوزستان مانند شوش و چغامیش بدست آمده بود را از نظر حجمی با هم مقایسه کند (Wightbeale, 1978: 289). در این اندازه‌گیری، حجم سفال‌ها براساس میلی لیتر

میکنند (Rothman, 2001: 5). در مرحله‌ی اوروک میانی نخستین حکومت‌ها در جنوب غرب ایران و جنوب بین‌النهرین شکل گرفتند و در اوروک جدید نگارش ابداع شد (الغازه، ۱۹۹۳: ص ۱۶۲).

در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی چهارم پ.م آب و هوا خشک‌تر از قبل، فصلی و متغیر بوده است و در شرق نزدیک بادهای موسمی در تابستان در مسیر جنوب می‌وزیدند، سیل‌ها باعث ایجاد زمین‌های آبرفتی حاصلخیز شده و اجتماعات در کنار این آبرفت‌ها پدید آمدند (Ibid: 31). از دوره‌ی اوروک به عنوان زمانی برای تحولات عمده‌ی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و آغاز شهرنشینی یاد می‌شود. رایت، جانسون و سایر محققان از دوران اوروک در خوزستان با توجه به گسترش مسائل سیاسی و اقتصادی آن به تفصیل بحث کرده‌اند، اعتقاد اکثریت بر این است که میزان زیادی از تولیدات، به خصوص سفال، بصورت مرکزی بوده است. بر اساس داده‌ها و وجود سفال‌ها در کوره‌ها و زباله‌دان‌ها در دوران اوروک، مشخص می‌شود که تنها در چند مرکز در دشت شوش، سفال تولید می‌شده است (Pollock, 1996: 683). بحث تجارت و مبادله‌ی سفال با شناسایی مراکز تولید آغاز می‌شود. در بررسی پدیده‌ی پراکنش سفال باید ابتدا گروه‌هایی که دارای تمپر و خاک یکسانند تفکیک کرد تا بتوان گفت آیا در محل ساخته شده‌اند یا نه؟ (عابدی، ۱۳۸۲: ص ۳۲).

محاسبه شد. از نظر جانسون تغییر در اندازه‌های سفال‌های لبه واریخته در طول زمان، همگی مربوط به یک واحد مشترک بوده است، یعنی این تغییرات بصورت واحدی مشترک در ظروف اعمال شده است (Ibid: 295). اولین نمونه‌های آغاز شهرنشینی در شرق نزدیک در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی چهارم پ.م در وارکا پدیدار شد و به همین دلیل به آن فرهنگ اوروک می‌گویند (Sweet, 1997: 35). محوطه اوروک (وارکا) در کنار فرات در جنوب بین‌النهرین یکی از بزرگترین محوطه‌ها در نیمه‌ی دوم هزاره چهارم پ.م است (Strommenger, 1980: 480).

سفال قرمز نیز از شاخصه‌های دوران اوروک است. این سفال بسیار ظریف و صیقلی با پوشش غلیظ قرمز رنگ می‌باشد و گاهی سطح خارجی آن نیز دارای نقوش داغدار است. ظروف خاکستری هم سفال‌هایی اوروکی هستند که به رنگ خاکستری روشن تا خاکستری تیره و مشکی دیده می‌شوند. این سفال‌ها به دلیل حفظ کربن در کوره‌های سر بسته برنگ خاکستری در آمده‌اند (Abu Al-soof, 1985: 19).

دوره‌ی اوروک به سه دوره تقسیم می‌شود که شامل مرحله‌ی قدیم ۳۶۰۰ - ۳۸۰۰ پ.م، مرحله‌ی میانی ۳۴۰۰ - ۳۶۰۰ پ.م و مرحله‌ی جدید ۳۱۰۰ - ۳۴۰۰ پ.م می‌باشد. از نظر رثمن^۱ تاریخ اوروک قدیم مربوط به ۳۱۰۰ - ۳۳۰۰ پ.م می‌باشد که تغییراتی در تاریخ‌های بعدی نیز ایجاد

^۱ - Rothman

دشت شوشان

تشابه بین سفال‌های لبه واریخته در محوطه‌های مختلف غیر قابل انکار است، (تصویر ۸ و ۷ و ۶ و ۵) لایه‌های شوش، هم‌زمان با اواخر دوره‌ی عیید در بین‌النهرین شروع شده است و در نیمه‌ی اول فازهای اوروک در وارکا XII و XIII پایان یافته است، در لایه‌های بالای شوش A به تولید سفال قرمز لعاب دار و ظروفی با نقوش سیاه برخورد می‌کنیم (Abu Al-soof, 1985: 113). ظروف لبه واریخته در شوش اولین بار در شوش Bc دیده شده است (تصویر ۹) و با مقیاس گسترده‌ای تا شوش Bd ادامه پیدا می‌کند. همچنین ظروف شوش C هم‌زمان با جمدمت نصر میباشند (Ibid: 116).

از دیگر سایت‌های مهم که در دشت شوش واقع است می‌توان چغامیش را نام برد که توسط دلوگاز و کتسور حفاری شده است (Algaze, 1993: 6). حفاری چغامیش علاوه بر این که توالی دشت شوش را نشان می‌دهد شواهدی بسیار کهن‌تر مربوط به آغاز استقرار حداقل برای هزار سال را در خود جای داده است (Alizadeh, 1997: 6). چغامیش در آبرفت‌های دشت شوشان بین رودهای دز و کارون قرار دارد. وجود رودهای فراوان و پدیده‌های طبیعی، شوق اصلی برای شکل‌گیری استقرارها در دشت شوشان را فراهم آورده است (Alizadeh, 2008: 1). اولین فاز بدست آمده از چغامیش مربوط به ۶۸۰۰ پ.م است. در آغاز دوره ادبیات چغامیش از مراکز بزرگ تولید سفال

بوده است (Ibid: 26) و محوطه‌هایی مانند چغامیش به ۱۲-۱۰ هکتار هم می‌رسیده‌اند (Algaze, 1993: 13). در ترانشه‌ی XXIV که مربوط به بقایای معماری پروتویلامی است، از اتاق‌ها تعداد زیادی سفال لبه واریخته بدست آمده است، (تصویر ۱۰) در این اتاق، کوره‌ی سفال‌گری وجود دارد که از آجرهای مربع شکل ساخته شده است (Alizadeh, 2008: 35). طی تحلیل و بررسی‌های انجام شده روی سفال‌های لبه واریخته، گمان می‌رود که سفال‌های سه محوطه‌ی چغامیش، شرف‌آباد و ابوفندوا از نظر ترکیبات متفاوت هستند و "برمن"^۲ معتقد است که این تفاوت در ترکیبات سفال، نشان می‌دهد که ساخت آن‌ها محلی بوده است. وجود کوره‌های پخت سفال در چغامیش نشان می‌دهد که سفال‌های لبه واریخته‌ی این محوطه تولید محلی بوده‌اند (تصویر ۱۱) (Ibid: 97). ظروف آغاز ایلامی در چغامیش به شش گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از ظروف خشن، استاندارد، نازک و ظریف، ترد و شکننده، خاکستری و قرمز که سفال‌های لبه واریخته در گروه اول جای دارند. در بین ظروف پروتویلامی چغامیش، ظروف خاکستری از نادرترین سفال‌ها هستند، طیف رنگ این سفال‌ها از خاکستری تیره تا خاکستری روشن و شاموتشان کانی و گیاهی است (Ibid: 50). دلوگاز^۳ وجود معماری مدور در چغامیش را مربوط به دوره‌ی آغاز ایلامی می‌داند و اساس

^۲ - Berman^۳ - Delougaz

(Hole, 2001: 402). سفال‌های لبه واریخته از گل معمولی ساخته می‌شوند و شاموت آن‌ها مواد کانی، خرده سفال و گیاهیست و سطح خارجی آن پرترب و خشن است (تصویر ۱۳). سفال‌های لبه واریخته‌ی فرخ آباد در دشت دهلران برخلاف لبه واریخته‌های آکروپل شوش I که بزرگ و گود هستند، کوچکترند و عمق کم‌تری دارند. این سفال‌ها و لبه‌ی بیرون برگشته‌ی آن‌ها شبیه به نمونه‌های شرقی است که بسیار کم‌یابند و به نظر می‌رسد ساخت آن‌ها در این محوطه با این شکل، امری تصادفی بوده است، لازم به ذکر است که سفال‌های تل همایون نیز به همین شکل کوچک و کم عمق هستند. روی اکثر سفال‌های لبه واریخته‌ی فرخ آباد جای فشار انگشتان دست به چشم می‌خورد و هر دو سطح آن بسیار خشن و ناهموار است. احتمالاً در دشت دهلران از سفال لبه واریخته به عنوان سیستمی برای جیره‌بندی استفاده می‌کرده‌اند. شاید سیستم اندازه‌گیری به دلیل کوچک بودن جوامع آن دوران آن‌قدر استاندارد نبوده باشد اما به هر حال این نوع سفال برای کاربردهای داخلی، تولید انبوه داشته است (Wright, 1981: 128-129). سفال‌های خاکستری خشن در لایه‌های اوروکی فرخ آباد نیز دارای شاموت معدنی‌اند. این سفال‌ها دست سازند و هم‌زمان با ظهور سفال‌های سرگراب در این محوطه ناپدید می‌شوند و پس از دوره‌ی کوتاهی سفال‌های خاکستری پدید می‌آیند، با این تفاوت که در شاموت آن‌ها صدف نیز به چشم می‌خورد. کاسه‌های لبه واریخته توزیع پیچیده‌ای

این دیدگاه را وجود سفال‌های لبه واریخته در کنار معماری بیان می‌کند، که این نوع سفال نشانگر این برهه از زمان است. لبه واریخته‌های چغامیش از داخل قبور و زباله دانی‌ها به وفور بدست آمده است (Delougaz & Kantor, 1996: 11). تل بلاذیه نیز در نزدیکی محوطه‌ی چغامیش در شرق رود دز در خوزستان قرار دارد و از دیگر محوطه‌هایی است که دارای سفال لبه واریخته می‌باشد، سفال‌های لبه واریخته این محوطه مشابه نمونه‌های دیگر در محوطه‌های اطراف است (کرمی، ۱۳۸۴: ص ۱۷-۱۶).

دشت دهلران

توالی باستان‌شناسانه در دشت دهلران، نتیجه حفاری چهار محوطه اصلی این دشت یعنی علی کش، چغا سفید، تپه سبز و تپه فرخ آباد است (Hole & Flannery, 1969: 2). پس از چند حفاری در دشت دهلران در سال ۱۹۶۳ فلانری و هول تصمیم به حفاری در تپه سبز گرفتند تا از این طریق توالی بعد از دوره‌ی محمد جعفر را در این محوطه بررسی کنند (Ibid: 50). در این دشت در هزاره‌ی چهارم از نقوش روی سفال کاسته می‌شود و همین حالت در ظروف گودین VI نیز دیده می‌شود و جوامع دشت دهلران مجذوب سفال‌های ارتفاعات زاگرس می‌شوند (تصویر ۱۲) (Neely & Wright, 1994: 22).

هنگامی که تپه سبز در فاز بیات به پایان می‌رسد، توالی دشت دهلران در تپه فرخ آباد ادامه می‌یابد

آغاز شهرنشینی، سفال که تا آن زمان مثالی از جوامع کوچک کشاورزی بود، حالت نمادین خود را از دست داده و جای خود را به سفال‌های ساده و بی‌نقش در مقیاس انبوه داده است. با بررسی سفال‌های دوران آغاز شهرنشینی تل همایون و شباهت ظاهری آن‌ها با سفال‌های هم‌دوره‌ی آن، در سایر محوطه‌ها، این‌طور به نظر می‌رسد که تغییر خاصی در نوع سفالگری تل همایون نسبت به سایر محوطه‌ها رخ نداده است و هم سو و هم قدم با سایر محوطه‌ها پیش رفته است. سفال‌های لبه واریخته‌ی تل همایون از نظر جنس خاک، شکل، نوع ساخت و اندازه یکسانند و گویا تماما مربوط به یک فاز هستند که این فاز با توجه به لایه، زمان زیادی، طول نکشیده است. تغییر شکل و نوع سفال‌ها در لایه زیرین لایه آغاز شهرنشینی، بیانگر دوره‌های قدیمی‌تری در این محوطه است که به دلیل ادامه نیافتن کاوش در این محل نمی‌توان با قطعیت راجع به آن صحبت کرد. نزدیکی تل همایون به چغامیش، به عنوان مرکز بزرگ تولیدات دامی، کشاورزی و سفالی، می‌تواند این محوطه را از اهمیت زیادی برخوردار گرداند، از این نظر که مراکز کوچکی که در اطراف مراکز بزرگ و مهم قرار دارند می‌توانند از زیر مجموعه‌های مراکز اصلی بوده باشند و جهت حمایت از مراکز بزرگتر در برابر خطرات احتمالی، احداث شده باشند و شاید هم این مراکز کوچک، برای کمک و پشتیبانی انواع تولیدات مراکز بزرگتر باشند. در هر حال مناطق کوچکی که در نزدیکی مراکز بزرگ و مرکزی

دارند که احتمالاً این تنوع و پیچیدگی مربوط به تغییر روش‌های تولید این‌گونه سفال و کاربردهای مختلف آن در طول دوران است (Ibid: 165).

سایر محوطه‌ها با سفال‌های مشابه

نمونه‌ی سفال‌های آغاز شهرنشینی که در تپه‌ی حاجی نبی^۴ در ترکیه بدست آمده است بی‌شباهت به سفال‌های داخل ایران همچون، گودین در کنگاور کرمانشاه که مربوط به کالکولتیک جدیدند، نمی‌باشد (Ibid: 158). در سائیتی همچون حاجی نبی، تمایل بیشتر به سفال‌هایی با سنت محلی بوده است تا سفالی مانند سفال لبه واریخته. در پاره‌ای از اوقات، این سفال‌ها استفاده‌ی ثانویه مانند ذوب کردن قیر نیز داشته‌اند که وجود بقایای قیر در این ظروف گواه این امر است. بیشترین مقادیر سفال لبه واریخته در این سایت مربوط به زباله‌دان‌هاست (Stein, 2007: 217). سفال لبه واریخته در محوطه‌ی دشاوار تپه در شرق کرمانشاه نیز یافت شده است، محوطه‌ی گیان نیز در لایه‌ی VD و همچنین تپه یحیی، دارای سفال‌های لبه واریخته‌ی مشابهی باشند (Al-soof, 1985: 119).

نتیجه‌گیری

سفال پدیده‌ایست که نمایان‌گر دوران مختلف و بازگوکننده‌ی اندیشه‌ی فرد و اجتماع اوست. با

^۴ - Hacinebi Tepe

عبدی، مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، کتابهای تازه خارجی، ص: ۸۲-۸۷.

عابدی، نادره، ۱۳۸۲، یادداشتی بر سازمان تولید و پراکنش سفال، مجله باستان‌پژوهی، شماره ۱۱، تهران، ص: ۲۱-۳۲.

عبدی، کامیار، ۱۳۷۸، کاسه‌های لبه واریخته، کاربرد و پراکندگی، ۳۲ مقاله‌ی بزرگداشت عزت‌اله نگهبان، باستان‌شناسی و هنر ایران، تهران، ص: ۶۴-۸۴.

کرمی، محمد، ۱۳۸۴، سفال دوره‌ی اوروک در تل بلاذیه، مجله پیام باستان‌شناسی، سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص: ۵-۲۱.

- Abu Al-Soof, bahnam, 1985. *Uruk Pottery, Republic of Iraq*, Ministry of Culture & Information, State Organization of Antiquity and Heritage, Iraq.
- Algaze, Guillermo, 1993. *The Uruk World system: The Dynamics of Expansion of Early Mesopotamian Civilization*, The University of Chicago Press, Chicago and London.
- Algaze, Guillermo, 2008. *Ancient Mesopotamia at the Dawn of Civilization: The Evolution of an Urban Landscape*, The University of Chicago Press, Chicago and London.
- Alizadeh, Abbas, 2008. *The Development of a Prehistoric Regional Center In Lowland Susiana, Southwestern Iran*, The Oriental Institute Of the university Of Chicago, Volume 130, Leslie Schramer and Thomas G. Urban (eds).
- Alizadeh, Abbas, 1997. *Excavation at Chogha Bonut, an Aceramic Neolithic Site in Lowland Susiana, Southwestern Iran*, Chicago university, The Oriental Institute.
- Arbor, Ann, 1981. *An Early Town On The Deh Luran Plain, Excavations at Tepe Farukhabad*, Henry T. Wright(ed), Memoir of THE Museum of

قرار دارند بی شک تحت نفوذ آن‌ها بوده‌اند، با این وجود، کمی داده‌های سفالی محوطه مذکور، تخمین میزان دقیق اهمیت تل همایون را تا حدودی سلب میکند، به هر شکل، اثبات این‌گونه فرضیات مستلزم ادامه‌ی کاوش‌ها بصورت هدفمند می‌باشد. همان‌طور که گفته شد اضطراب ایجاد شده در تپه به دلیل کشاورزی و چرای دام‌ها در طول سالیان باعث آشفته‌گی شدید در لایه‌ها شده است، که این خود، مشکل بزرگی در بررسی لایه‌هاست و همچنین موجب از بین رفتن شواهد سطحی تپه نیز شده است. مطالعه‌ی سفال‌های لبه واریخته‌ی دشت خوزستان و دشت دهلران نشان می‌دهد که این سفال‌ها از نظر کمی و کیفی در یک سطح می‌باشند و حضور آن‌ها کاربرد بسیار وسیع و شاید چند منظوره‌ی آن را بیان می‌کند.

سیاسگزاری

از آقای اسماعیل یغمایی بخاطر زحمات، راهنمایی‌هایشان، هم‌چنین قرار دادن تمام داده‌ها و اطلاعات مربوط به تل همایون در اختیار ما و فراهم آوردن این فرصت، بسیار سپاسگزاریم.

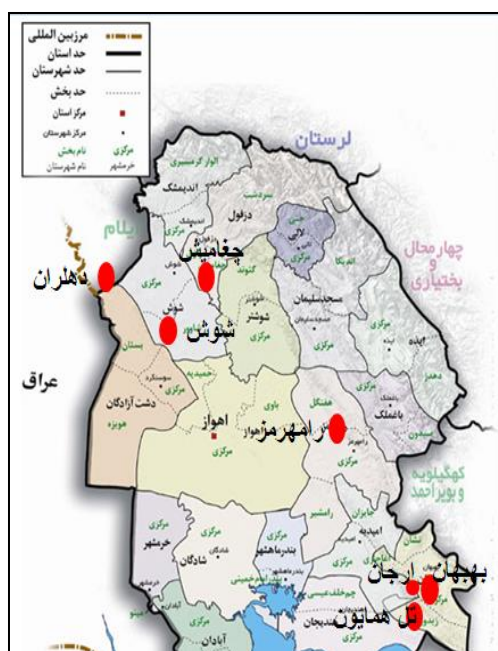
منابع:

- الغازه، گی لرمو، ۱۹۹۳، سیستم جهانی اوروک: کارکرد تمدن باستانی بین‌النهرین، شیکاگو: انتشارات دانشگاه شیکاگو، ترجمه‌ی کامیار

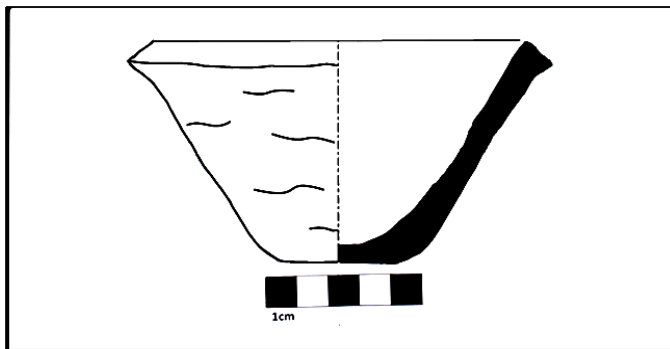
- Strommenger, Eva, 1980. The Chronological Division of the Archaic Levels of Uruk-Eanna VI to III/II: Past and Present, *American Journal of Archaeology*, Vol. 84, No. 4, pp. 479-487.
- Wight Beale, Thomas, 1978. Bevelled Rim Bowls and Their Implications for Change and Economic, Organization in the Later Fourth Millennium B.C. *Journal of Near Eastern Studies*, Vol. 37, No. 4, Pp. 289-313.
- Anthropology, University of Michigan, Number 13.
- Delougaz, Pinhas, Helen J. Kantor, 1996. *Chogh Mish The First Five Seasons of Excavations 1961-1971*, Part 1: Text, Abbas Alizadeh (ed), The Oriental Institute Of The University Of Chicago.
- Delougaz, Pinhas, Helen J. Kantor, 1996. *Chogh Mish The First Five Seasons of Excavations 1961-1971*, Part 2: Plates, Abbas Alizadeh (ed), The Oriental Institute Of The University Of Chicago.
- Hole, Frank, Kent V. Flannery, Etc All, 1968. Prehistory And Human Ecology Of The Deh Luran Plain, *An Early Village Sequence From Khuzistan, Iran*, Library Univer5ity Of Pennsylvania, USA.
- Hole, Frank, 2001. Formal variability of glossed Flint elements in Dehluran and Khabur, *Berlin ex Oriente*, Pp:399-410.
- Neely, James and Henry Wright, 1994. *Early Settlement and Irrigation on The Dehluran Plain*, The University of Michigan The Museum of Anthropology, USA.
- Pollock, Susan, Melody Pope, et.al, 1996. Household Production at the Uruk Mound, Abu Salabikh, Iraq, *American Journal of Archaeology*, Vol. 100, No. 4. Pp. 683-698.
- RONALD F.G. SWEET, 1997. Writing as a Factor in the Rise of Urbanism, Urbanism in Antiquity from Mesopotamia to Crete, Walter E. Aufrccht, Neil A. Mirau & Steven W. Gauley (ed), *Journal for the Study of the Old Testament Supplement*, Series 244, England, Pp 35-50.
- Rothman, Mitchell S, 2001. Uruk and It's Neighbors, The Local and Regional, Guillermo Algaze (ed). *School of American Research Press*, USA, Pp:3-27.
- Stein, Gil J, Reinhard Bernbeck, et.all, 1996. Uruk Colonies and Anatolian Communities: An Interim Report on the 1992-1993, Excavations at Hacinebi: Turkey, *American Journal of Archaeology*, Vol. 100, No. 2, Pp. 205-260.



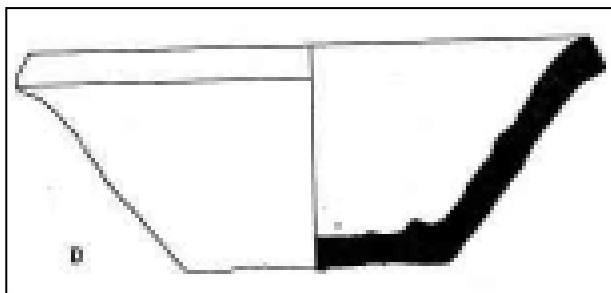
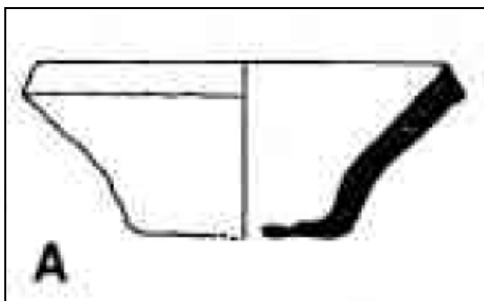
تصویر ۱: نقشه استان خوزستان (Google Image)



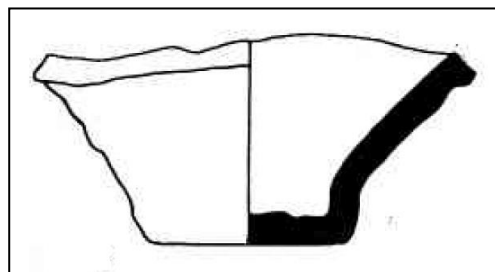
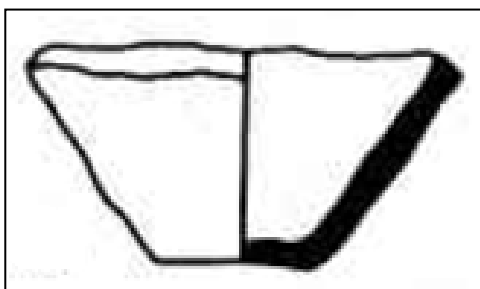
تصویر ۲: تصویری از تل همایون (نگارندگان)



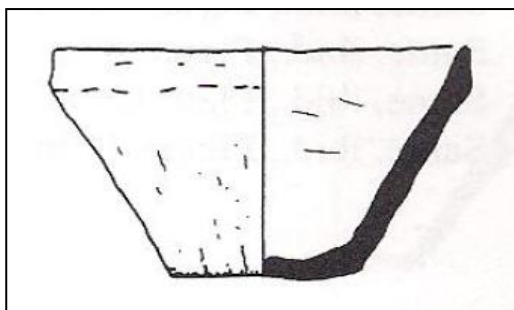
تصویر ۳: سفال لبه واریخته از تل همایون (نگارندگان) تصویر ۴: طرح سفال لبه واریخته از تل همایون (نگارندگان)



تصویر ۵: سفال لبه واریخته از تپه تیلادیر (Algaze, 1993:32) تصویر ۶: سفال لبه واریخته از سوریه (Ibid:39)



تصویر ۸: سفال لبه واریخته از هسک هویوک در آناتولی (Ibid:87) تصویر ۹: سفال لبه واریخته از شوش (Ibid:13)



تصویر ۱۳: سفال لبه واریخته از فرخ آباد
(Neely&wright ,1994:23)

تصویر ۱۰: سفال لبه واریخته از چغامیش
(Algaze, 2008: 132)